امکان قطع تام بر وجود ثبوتی تواتر در ازمنه سابق

شاگرد۲: آقایانی که اشتراط تواتر را آوردهاند طبیعتاً این تواتر طریقیت به یک غرضی دارد لذا آن را آوردهاند. بنابراین اگر آن را تحلیل کنیم و ببینیم آن غرض چیست، کاراساز است. یعنی اگر صرف قطع است همه فرمایشات شما میآید و خود تواتر دیگر خصوصیت ندارد. یعنی اگر یک چیزی قرآن باشد و صد در صد هم احتمال خلاف ندهیم. قرائن هست ولی تواتر نیست. اگر این باشد استدلال حضرت عالی هم میآید. اما اگر اینها برای تواتر یک کارکردی را تعریف کردهباشند، مثلا بگویند صرف قطع هم نیست. یعنی یک حالت نفسانی صد در صدی نیست، بلکه تنها میخواهیم بگوییم اسباب آن هم طوری باشد که کاملاً عقلائی باشد و در حد بالایی از قطع باشد، اگر به این صورت باشد او میگوید غرضی که باعث شد من تواتر را شرط بدانم حتی با قطع محفوف به قرائن هم نمیآید. لذا در زمان من هم باید متواتر باشد.

استاد: ببینید اگر ما از قرائن قطع پیدا کردیم که عین همین تواتری که در زمان ما هست و کارکرد دارد، عین همین در یک بلد دیگری بوده که تواتر آنها نزد ما نیست، ایشان چه میگویند؟ شما فرمودید منظور ما از تواتر، صرف حصول قطع نیست، یک نحو خاصی از قطع با یک کیفیتی از حصول اخبارات میدانی بیرون منظور است که نحوه خاصی از قطع است، از قرآن آن کارکرد را میخواهیم. خب الآن میگویند این الآن نزد ما است، خب اگر قاطع شدیم ولو الآن نزد ما دیگر نیست اما در یک بلد دیگری و در عصر دیگری عین همین بوده است.

شاگرد: قبلاً بوده؟

استاد: بله، مطمئن شدیم.

شاگرد: گویا میگویند نتیجه تابع اخص مقدمه میشود.

استاد: از شرطشان دست بردارشتند ای نه؟ اثبات و ثبوت را قاطی نکنید. شرط بود که این تواتر را میخواهیم، حالا مطمئن شدیم با اینکه این تواتر در شهر ما نیست اما در شهر دیگر هست، دراینصورت از شرطشان دست بردارشتهاند ای نه؟

شاگرد: عرض من برای همین بود. باید تحلیل کنیم که آن شرط چه بوده. اگر شرط این بوده که قرآنیت تنها با یک درجه خاص و کیفیتی که در تواتر هست، ثابت میشود... .

استاد: خب دقیقاً در همینجا قاطع هستیم که این شرط در آنجا بوده

شاگرد: بوده ولی چون الآن آن درجه از یقین را ندارم...

استاد: یعنی قرآن نیست؟

شاگرد: طبق مقدمات آنها دیگر قرآن نیست.

استاد: چرا طبق مقدمات آنها قرآن نیست؟

شاگرد: اخص است.

استاد: شما می‌گویید باید قطعی باشد که این تواتر باشد، خب قاطع هستیم که در بین آنها بوده، دراین‌صورت چرا نباشد؟!

شاگرد: برای من... .

استاد: من کاره هستم؟! یعنی شخص من در تواتر دخالت دارم؟!

شاگرد: اشتغال یقینی...

استاد: اشتغال غیر از ثبوت است. حالا عبارات را می‌بینیم. تا عبارت را نخوانیم نمی‌فهمیم که اینها چه می‌گویند.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:16:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:39:47 توسط ... .